

# لوح مبارک در جواب چند سؤال

حضرت بهاء الله

النسخة العربية الأصلية



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 1، صفحه 19 - 24

## باب یازدهم لوح مبارک در جواب چند سؤال جمال مبارک در لوح ورقای شهید میفرمایند قوله تعالی :

1 - درباره اکسیر " درباره اکسیر مرقوم فرموده بودند مکرر این کلمه علیا از لسان مالک اسماء شنیده شد قوله جل بیانه و عز برهانه یا عبد حاضر آنچه درباره اکسیر از سماء مشیت الهی نازل نظر به سؤال عباد بوده مکرر سؤال نموده اند تا آنکه نازل شد آنچه نازل شد والا قلم اعلی تعرض نمینمود و اقبال بذکر این امور نداشته و ندارد انبیاء ذکر فرموده اند و همچنین حکما. در وجود و عدم این صنع گفتگوهای لا تخصی بمیان آمده بعضی گفته اند اجساد غیر ذهب بواسطه امراض از بلوغ باین مقام ممنوعند و قوت و اعتدال اکسیر رفع مینماید و بلون و کینونیت اصلی ظاهر میشوند و برخی این فقره را محال دانسته اند چنانچه گفته اند این فلزات هر یک از اجزاء مختلفه ترکیب شده اکسیر عاجز است از تصرف در اشیاء مختلفه متناقضه جمهوری از حکماء قلب ماهیت را محال دانسته اند کتب قوم مشحونست باین اذکار و اعتراضات و اختلافات حکما از فلاسفه و غیرهم ولکن اگر صاحب فؤاد و بصر در بیانائیکه از قلم اعلی جاری شده تفکر نماید امر وجود و عدم بر او ظاهر و هویدا و اشکار شود " انتهى

این عبد عرایض دوستان الهی را که از این امر سؤال نموده اند عرض نموده و بعضی در سؤال بکمال اصرار ظاهر لذا جاری شده از قلم اعلی آنچه موجود است وقتی این کلمه علیا استماع شد فرمودند " یا عبد حاضر اگر جواب نازل نشود بیم آنست بر عدم علم الهی حمل نمایند " انتهى .

و بهر نفسی جواب نازل حکم منع در او بوده الا یک یا دو حکم منع بر اشتغال باین عمل مکرر نازل حکمت قبل بالمره با حکمت حال مختلف شده در عناصر و در سیارات و همچنین در حرکات و ارواح و اجساد اختلافات کلیه ظاهر چه در تأثیرات و چه در اعداد و البته در سنین بعد هم ظاهر شود آنچه از عیون مستور است و این ظهور اعظم سبب و علت است از برای فتح ابواب علوم و حکم احدی علوم و جنود حق را تا حین بتمامه احصا نموده چه بسیار از شمس ظاهره که دیده نشده و چه بسیار از اقدار که از ابصار مستور است ....."



ORIGINAL

2 - درباره مکاشفات یوحنا " اینکه درباره مکاشفات یوحنا علیه بهاء الله الابهی مرقوم داشتند صحیح است ایشان بکمال تصریح ذکر فرموده اند چنانچه میفرماید مدینه جدیده از آسمان نازل یعنی اورشلیم جدیده در اورشلیم نازل میشود چنانچه نازل شد .... "

3 - درباره در المنظم اینکه ذکر در منظم و روایات مذکوره در آن را فرمودند مطابق است و موافق ولکن ناس مخالف و منافق .

4 - درباره حضرت شیخ و حضرت سید

اینکه درباره حضرت شیخ و حضرت سید علیهما من کل بهاء ابهه مرقوم داشتند که در نزد بعضی از احباب از مراتب و مقامات ایشان صحبت میشود که ظهور احمدی مقام سماوی محمدی است و رتبه رسالت بایشان معروض شد و قبول نمودند آیا این اقوال مأخذی دارد یا از اوهام افهام است البته از اوهام افهام بوده و هست ..... نخر احمد در آن است که بعضی از اسرار نبوت آگاه شد و حامل امانت گشت این مقام بسیار عظیم است یکفیه و رب العالمین ..... بعضی از عرفا هم گفته اند آنچه را که شایسته نبوده بعضی باطن درست کرده اند و خود را از اهل آن دانسته اند لعمر الله در ساحت حق از بعوضه پست ترند عارف بی انصافی گفته مقام نبوت مقام نبأ است و مقام مکاشفه و مشاهده فوق آنست ثانی را مقام اولیا و اول را مقام انبیا دانسته این بی بصر بی حقیقت این قدر ادراک ننموده که نبأ انبیا بعد از مکاشفه و مشاهده بوده بهم ظهر کل امر حکیم و کل سر عظیم معدن نبوت و ولایت انبیا بوده اند و بکلمه انبیا اولیا در ارض ظاهر باری اکثری از عباد بهوی نطق نموده و می نمایند ..... این اختلافات که مشاهده میشود کل از معتدین و ملحدین بوده و هست هر نفسی بخواهد عدد شعبه های طریقت را که ایوم ما بین ناس مذکور و مشهود است احصا نماید باید مدتی اوقات صرف کند ..... نفوس جاهله غافله ناس را مبتلا نموده اند بکمال روح و ریحان و حکمت القاء نمائید آنچه را که سزاوار است و مقام حضرت شیخ و مرفوع سید علیهما بهاء الله و عنایاته بسیار عظیم است وقتی از اوقات این کلمه مبارکه از معدن حکمت الهی ظاهر فرمودند یا عبد حاضر حضرت احمد و کاظم آگاه بودند و از معانی کتب الهی مطلع و با خبر نظر بجزب قلوب بعضی بیانات فرموده اند و مقصود تقرب ناس بوده که شاید بکلمه حق فائز شوند چنانچه فائز شدند نفوسیکه اول بشریعه الهی وارد گشتند آنخرب بوده و این فقره گواه است بر آگاهی و علم و حکمت و سبیل مستقیمی که بآن متمسک بوده اند هینثا لهم " انتهی

در اواخر مکرر حضرت سید علیه من کل بهاء ابهه میفرمودند آیا نمیخواهید من بروم و حق ظاهر شود اصل مقصود این کلمه بوده ولکن نظر بمقتضیات حکمت ظاهر شد از ایشان آنچه ظاهر شد

5 - درباره مظاهر امر و اینکه از مظاهر امر سؤال نمودند ایشان در بطن ام دارای مقامات بوده و هستند و بمقتضیات اوقات و اسباب ظاهر شده

6 - درباره آیه مبارکه من یدعی امرا ..... اینکه از آیه مبارکه منزله در کتاب اقدس سؤال شده قوله تبارک و تعالی : " من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة كاملة الى آخر بیان الله این فقره عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة " یا ایها الناظر الی الوجه و الطائف حول الامر آنچه عرفانش بر کل لازم بود در این آیه مبارکه نازل و بر کل فرض است

اقرار بآن و تمسک بآن اکثری از جهال غافلند و در سبیل اوهام سالک و ناس هم اکثری بی خبر لذا این آیه مبارکه محض فضل نازل تا متابعت هر ناطقی ننمایند و سبب تضييع امر الله نشوند " انتهى

في الحقيقة این آیه مبارکه عنایتی است بزرگ از برای کل چه که آن محبوب میدانند هر روز از شطری نعیقی ظاهر و همچنین اعمالی که سبب و علت تضييع امر الله بوده گناشان آنکه امر الله بمثابه لعب اطفال است هر یوم بلعی مشغول و بکلمه ناطق قد خسر الذين نطقوا بما لا اذن الله لهم و عملوا ما بکت به عين العدل و الانصاف باید آن محبوب ناس را متذکر دارند

7 - دربارہ آیه مبارکہ هذا هو العلم المکنون الذی لن يتغير و اینکه از آیه مبارکہ اخرى سؤال نمودند قوله تبارک و تعالی: " قل هذا هو العلم المکنون الذی لن يتغير " مقصود این بیان از باقی آیه مستفاد میشود قوله تعالی: " لانه بدء بالطاء المدلة على الاسم المخزون الظاهر الممتنع المنيع و عدد تقسیم با عدد جامع کسور تسعه مطابق و موافق است امروز عالم غیب و شهاده طائف طاء مدله است لعمر مقصودنا و مقصود کم و مقصود من فی السموات و الارض مخزون است در این سلطان حروف یعنی طا آنچه که اقلام عالم از ذکرش عاجز و قاصر است....."